سعید لیلاز تأکید کرد

ظرفیت های بزرگ اقتصاد ایران برای عبور از فشارها

بیشتر مشکلاتی که اقتصاد ایران با آن روبه‌روست، هیچ ارتباطی با جنگ ندارند؛ این مشکلات پیش از جنگ هم وجود داشته‌اند و حتی به تحریم‌ها نیز محدود نمی‌شوند؛ زیرا پیش از تحریم‌ها هم با آن‌ها مواجه بوده‌ایم.

وجود بوروکراسی سنگین اداری، غلبه سوداگری بر تولید و کم‌توجهی به ظرفیت‌های بزرگ اقتصاد ایران برای عبور از فشارهای جنگ و تحریم؛ از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی کشور است که همواره وجود داشته و بعد از شروع جنگ ۱۲روزه تاکنون، فقدان آرایش جنگی در سه قوه و دیگر دستگاه‌های غیرنظامی هم به آن‌ها اضافه شده است.

سعید لیلاز، تحلیلگر اقتصادی معتقد است: بیشتر مشکلاتی که اقتصاد ایران با آن روبه‌روست، هیچ ارتباطی با جنگ ندارند؛ این مشکلات پیش از جنگ هم وجود داشته‌اند و حتی به تحریم‌ها نیز محدود نمی‌شوند؛ زیرا پیش از تحریم‌ها هم با آن‌ها مواجه بوده‌ایم. او می‌افزاید: تحریم و جنگ، همه این مسائل و مشکلات را شدیدتر می‌کند اما همان‌طور که تجربه‌های ما در گذشته نشان داده، توانسته‌ایم بر این مشکلات غلبه کنیم.

نشانه این مسئله آن است که در سال ۱۴۰۰ حجم تولید ناخالص داخلی ایران به قیمت ثابت به

من معتقدم مسئله اصلی، بوروکراسی ایران است. اقتصاد ایران می‌تواند بسیار بیشتر از وضعیت فعلی رشد کند و به فشارهای بیرونی واکنش نشان دهد اما گرفتار نوعی بوروکراسی شده است که قدرت تصمیم‌گیری بموقع ندارد.

بالاترین رقم دوره برجام بازگشت و این یک گزاره واقعی است.

تحلیلگر اقتصادی تصریح می‌کند: واقعیت قضیه این است که تحریم‌های اقتصادی، هرقدر هم کمرشکن باشند؛ بیشترین فشار را بر تجارت خارجی کشور وارد می‌کند. با این حال، تجارت خارجی ایران در سال ۱۴۰۳ از رکورد سال ۱۳۹۶، یعنی بهترین سال دوره برجام، عبور کرد. این یک واقعیت بزرگ است که نباید آن را نادیده بگیریم.

لیلاز با بیان اینکه تقریباً تمام اروپا پشت جنگ آمریکا با ایران قرار گرفته است؛ می‌افزاید: ما هنوز همه تجهیزات و امکانات خود را برای مقابله با این وضعیت تجهیز نکرده‌ایم. این یک واقعیت است. وقتی چنین فشاری بر کشور وارد می‌شود؛ باید تمام دستگاه‌های مسئول نیز متناسب با شرایط موجود عمل کنند اما من در عملکرد بسیاری از بخش‌های اداری و اجرائی کشور، نشانه‌ای از چنین تغییری نمی‌بینم.

دستگاه‌های اجرائی جنگی تصمیم نمی‌گیرند

تحلیلگر اقتصادی با اشاره با رفتارها و اقدامات وزارتخانه‌ها و گمرک در شرایط فعلی توضیح می‌دهد: شما به گمرک ایران نگاه کنید؛ به رفتارهای اقتصادی وزارتخانه‌ها نگاه کنید؛ به نظام تصمیم‌گیری کشور توجه کنید. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که وضعیت جنگی در وزارتخانه‌های ایران حاکم شده باشد. این مسئله فقط به وزارتخانه‌های دولت آقای پزشکیان محدود نمی‌شود. در قوه قضائیه نیز با شرایطی متناسب با وضعیت جنگی مواجه نیستیم. امروز که من با شما صحبت می‌کنم، ارسال یک پست قضائی از تهران به یک شهرستان ممکن است ماه‌ها زمان ببرد.

لیلاز ادامه می‌دهد: در مجلس نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. شما به مصوبات مجلس و جلسات آن نگاه کنید؛ به همان اندازه که باید برای حل مسائل گمرکی تلاش کنند، برای این مسائل دغدغه نشان نمی‌دهند و به مرزها سرکشی نمی‌کنند.

نشانه‌هایی از ظرفیت اقتصاد ایران

این تحلیلگر اقتصادی با یادآوری اینکه رشد اقتصادی کشور در تیرماه مثبت بود اما احتمال دارد در مرداد و شهریور دوباره منفی شود، می‌افزاید: آهنگ کاهش نرخ رشد اقتصادی ایران در حال کم‌شدن است. اکنون می‌توانیم با سرعت بیشتری به سمت احیای درآمدهای دولت حرکت کنیم و این درآمدها را در قالب یارانه به مردم بازگردانیم. به این ترتیب، هم می‌توانیم وضعیت اقتصادی را بهبود بخشیم و هم به ثبات سیاسی و اجتماعی کشور کمک کنیم.

لیلاز با بیان اینکه ما بخش بزرگی از خرابی‌های فیزیکی را جبران کرده‌ایم ادامه می‌دهد: به یاد دارید زمانی که من در روزهای نخست جنگ درباره این موضوع صحبت کردم، چقدر مورد انتقاد قرار گرفتم و عده‌ای به من گفتند که دارم خسارت‌ها را دست‌کم می‌گیرم. او می‌افزاید: ما اکنون، به‌جز در بخش گاز که حدود ۱۰۰ تا ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت آن مطرح بوده و تا حدی در بخش فولاد که البته قسمت محدودی از آن را شامل می‌شود و همچنین در صنعت پتروشیمی، بخش بزرگی از خرابی‌های دیگر بازسازی شده است. بیش از ۱۰۰ هزار نقطه در کشور یا حدود ۱۰۰ هزار نقطه در جریان جنگ آسیب دیده بود که بخش عمده این خرابی‌ها به‌طور کامل تعمیر و بازسازی شده است.

این تحلیلگر اقتصادی ادامه می‌دهد: این ارقام نشان می‌دهد که اقتصاد ایران، با وجود فشارهای سنگین، ظرفیت قابل‌توجهی برای بازگشت به شرایط عادی دارد. من هنگامی که می‌گفتم خسارت‌های جنگ را به آن اندازه که برخی تصور می‌کنند تعیین‌کننده نمی‌دانم، به همین ظرفیت‌ها توجه داشتم.

لیلاز تصریح می‌کند: اطلاعاتی که من از اقتصاد ایران دارم، به نظرم در این حوزه عمیق‌تر و دقیق‌تر از اطلاعات بسیاری از دوستانی است که عمدتاً در حوزه سیاست فعالیت می‌کنند. البته آن‌ها در حوزه تخصصی خودشان باسواد و محترم هستند اما شناخت اقتصاد ایران و ظرفیت‌های آن، بحث متفاوتی است.

او در پاسخ به این موضوع که چگونه می‌توان از ظرفیت اقتصاد ایران برای بازگشت اشتغال استفاده کرد، می‌گوید: اقتصاد ایران برای پیشرفت ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای دارد. اکنون با وجود تمام فشارها، حدود ۶۰۰ هزار نفر به شمار بیکاران اضافه شده‌اند و من معتقدم می‌توانیم این افراد را دوباره شاغل کنیم و برای این کار باید منابع مالی به‌درستی تخصیص پیدا کنند.

این تحلیلگر اقتصادی تأکید می‌کند: منابعی که در قالب خلق پول ایجاد می‌شود؛ نباید صرفاً به ناترازی بانک‌ها اختصاص پیدا کنند و در نهایت به بازار ارز منتقل شوند؛ بلکه باید به سمت صنعت و تولید هدایت شوند. اگر منابع مالی به جای آنکه در چرخه ناترازی بانکی و تقاضای ارز قرار بگیرند به بخش تولید برسند می‌توانند به ایجاد اشتغال و افزایش تولید کمک کنند. من معتقدم با استفاده از چنین رویکردی می‌توان روند فزاینده قیمت دلار را نیز کنترل کرد و حتی متوقف ساخت.

بوروکراسی، مانع اصلی اقتصاد ایران

لیلاز در پاسخ به اینکه شما به بزرگی اقتصاد ایران و ظرفیت‌های فراوان آن اشاره کردید اما برخی معتقدند که این اقتصاد چندان بزرگ نیست و حتی در دوره‌ای از روزهای سخت اقتصادی در مهر و آبان صحبت می‌کردند، آیا آن‌ها در ارزیابی ظرفیت‌های واقعی اقتصاد دچار خطا هستند؟ می‌گوید: من معتقدم مسئله اصلی، بوروکراسی ایران است. اقتصاد ایران می‌تواند بسیار بیشتر از وضعیت فعلی رشد کند و به فشارهای بیرونی واکنش نشان دهد اما گرفتار نوعی بوروکراسی شده است که قدرت تصمیم‌گیری بموقع ندارد. او با اشاره به معطلی کامیون‌داران در مرزها، تصریح می‌کند: اینکه هزاران دستگاه کامیون در مرزها منتظر اجازه ورود باشند، قابل درک نیست که چرا باید چنین اتفاقی بیفتد؟ چرا دستگاه‌های مسئول اجازه نمی‌دهند کالاها با سرعت مناسب وارد کشور شوند و فعالیت‌های تجاری و تولیدی بدون تأخیر ادامه پیدا کنند؟



این تحلیلگر اقتصادی با تأکید بر اینکه رانندگان شبکه حمل‌ونقل به اندازه نیروهایی که در خط‌مقدم حضور دارند در حال خدمت به کشور هستند، می‌افزاید: اطلاعاتی دارم که نشان می‌دهد برخی رانندگان برای گرفتن نوبت ورود به کشور، مبالغی بین ۳۰ تا ۱۳۰ میلیون تومان به واسطه‌ها می‌پردازند در حالی که باید پرسید چرا باید چنین وضعیتی وجود داشته باشد؟ من متوجه نمی‌شوم چرا گزارش‌های جدی درباره این مشکلات تهیه نمی‌شود تا به اطلاع سران سه قوه برسد. لیلاز با انتقاد از رویه‌های گمرکی که سبب طولانی‌شدن توقف کامیون‌ها در مرزها شده است، می‌گوید: یکی از مشکلات این است که سامانه‌های اداری آن‌گونه که باید عمل نمی‌کنند؛ در ایران، آنچه کمتر از همه در این سامانه‌ها دیده می‌شود جامعیت و هماهنگی است. این سامانه‌ها برای مدیریت شبکه اقتصادی در شرایط جنگی طراحی نشده‌اند و در بسیاری از موارد، به‌جای کاهش بوروکراسی، آن را چند برابر کرده‌اند.

ما هنوز همه تجهیزات و امکانات خود را برای مقابله با این وضعیت تجهیز نکرده‌ایم. این یک واقعیت است. وقتی چنین فشاری بر کشور وارد می‌شود؛ باید تمام دستگاه‌های مسئول نیز متناسب با شرایط موجود عمل کنند اما من در عملکرد بسیاری از بخش‌های اداری و اجرایی کشور، نشانه‌ای از چنین تغییری نمی‌بینم.

او ادامه می‌دهد: هرکسی به شما بگوید که این سامانه‌ها در شرایط فعلی به‌خوبی کار می‌کنند و هیچ مشکلی ندارند واقعیت را بیان نمی‌کند. وقتی درباره این مشکلات صحبت می‌کنم، منظورم صرفاً انتقاد از یک دستگاه یا یک وزارتخانه نیست. مسئله، شیوه اداره اقتصاد کشور در شرایطی است که سرعت تصمیم‌گیری می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

این تحلیلگر اقتصادی با اشاره به نمونه دیگری از فقدان آرایش جنگی در اقتصاد کشور می‌گوید: برای نمونه اکنون که فصل کشت گندم آغاز شده، می‌بایست سریع‌تر قیمت خرید تضمینی آن از کشاورزان مشخص شود؛ من هر عددی کمتر از ۱۰۰ هزار تومان را برای خرید تضمینی گندم رد می‌کنم و معتقدم چنین قیمتی ظلم به اقتصاد ایران و کشاورزان کشور است. چرا دولت باید در تعیین قیمت خرید تضمینی گندم تا این اندازه تعلل کند؟ چرا تصمیم‌گیری درباره موضوعی که برای تولید سال آینده کشور اهمیت دارد، باید به تأخیر بیفتد؟

لیلاز می‌افزاید: این مسئله فقط مربوط به کشاورز نیست. قیمت خرید تضمینی گندم بر تصمیم کشاورزان برای کشت سال آینده، میزان تولید داخلی و نیاز کشور به واردات تأثیر می‌گذارد. اگر قیمت خرید تضمینی بموقع اعلام نشود، کشاورز نمی‌تواند درباره کشت آینده خود تصمیم بگیرد. ممکن است از کشت گندم منصرف شود و در نتیجه، کشور ناچار شود در سال آینده گندم بیشتری وارد کند. او می‌گوید: چرا باید گندم را با قیمت ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار تومان از روسیه و برزیل خریداری کنیم اما حاضر نباشیم گندم را با قیمت ۱۰۰ هزار تومان از کشاورز ایرانی بخریم؟ این پرسشی اساسی درباره منطق سیاست‌گذاری اقتصادی است.

تصمیم‌گیری سریع، روشن و مسئولانه

این تحلیلگر اقتصادی افزود: من نمی‌خواهم همه مسائل را به مافیا یا عوامل سیاسی نسبت بدهم. مسئله اصلی این است که ساختار تصمیم‌گیری کشور در بسیاری از موارد نمی‌تواند بموقع تصمیم بگیرد. اگر وزیر جهاد کشاورزی نمی‌تواند درباره قیمت خرید تضمینی محصولات کشاورزی یا پرداخت بموقع مطالبات تولیدکنندگان تصمیم بگیرد و نظر خود را به کرسی بنشاند، باید درباره ادامه مسئولیت او سؤال کرد. اگر مسئولان سازمان برنامه و بودجه و وزارتخانه‌های اقتصادی نمی‌توانند در شرایط حساس، تصمیم‌های ضروری را اتخاذ کنند، این وضعیت باید تغییر کند.

این تحلیلگر اقتصادی ادامه داد: من نمی‌گویم همه مشکلات به یک فرد یا یک وزارتخانه مربوط است. حرف من این است که اقتصاد ایران برای عبور

بیشتر مشکلاتی که اقتصاد ایران با آن روبه‌روست، هیچ ارتباطی با جنگ ندارند؛ این مشکلات پیش از جنگ هم وجود داشته‌اند و حتی به تحریم‌ها نیز محدود نمی‌شوند؛ زیرا پیش از تحریم‌ها هم با آن‌ها مواجه بوده‌ایم.

از شرایط موجود به تصمیم‌گیری سریع، روشن و مسئولانه نیاز دارد. در شرایط عادی هم تصمیم‌گیری اقتصادی اهمیت دارد اما در شرایط جنگی، تأخیر در تصمیم‌گیری می‌تواند هزینه‌های بسیار بیشتری به کشور تحمیل کند.

لیلاز با اشاره به شیوه تصمیم‌گیری دولت گفت: به نظر من، دولت باید در برخی موضوعات از مرحله گفت‌وگو و هماهنگی عبور کند و به مرحله تصمیم‌گیری برسد. البته هماهنگی میان دستگاه‌ها مهم است اما نمی‌توان اجازه داد هر تصمیمی ماه‌ها در انتظار توافق میان مسئولان باقی بماند. برای مثال، باید درباره قیمت خرید تضمینی گندم سریع‌تر تصمیم‌گیری شود. رئیس‌جمهور می‌تواند به مسئولان مربوطه ۴۸ ساعت فرصت بدهد تا درباره موضوع تصمیم بگیرند و اگر نتوانستند به نتیجه برسند، خودش تصمیم نهایی را اتخاذ کند.

ایرنا

بلندمرتبه سازی
تکرار تجربه تلخ تهران در شمال

وزارت راه و شهرسازی، بلندمرتبه‌سازی را به‌عنوان یکی از راهکارهای مدیریت توسعه شهری در مازندران مطرح کرده و هدف آن را کاهش گسترش افقی شهرها، استفاده بهینه از زمین و تأمین نیازهای سکونتی و کاهش فشار بر شالیزارها و عرصه‌های طبیعی را به‌عنوان هدف اعلام کرده است. شبیه این دلایل در سال‌های آخر دهه ۱۳۶۰ و اوائل ۱۳۷۰ برای توجیه آسمان‌فروشی و بلندمرتبه‌سازی در تهران هم مطرح شد.

حاصل بستن حریم شهر تهران و احداث ساختمان‌های بلندمرتبه؛ چیزی جز افزایش تراکم شهر، جمعیت، خودروها و... با تخریب باغات و گسترش حاشیه‌نشینی نبوده است. تهران، به شهری بدقواره با ساختمان‌هایی بدون آفتاب و نور و آزادی چشم‌انداز تبدیل شده است. مردم به یک‌باره از خانه‌های حیاط‌دار با صفا به آپارتمان‌های بی‌روح با سه لایه پرده، تبعید و در فقدان فرهنگ آپارتمان‌نشینی، هر روز فرسوده‌تر شدند.

حالا وزارت راه و شهرسازی، بی‌اعتنا به سبک زندگی مردم شمال و تبعات فاجعه‌بار تجربه شده در تهران، به‌دنبال تکرار همان تجربه تلخ در مناطق شمالی کشور است. این در حالی است که جمعیت استان مازندران، کمتر از چهار میلیون نفر در ۲۴ هزار کیلومتر مربع (۲۴ میلیارد متر مربع) است؛ یعنی به ازای هر نفر، بیش از شش هزار متر مربع و برای خانواده سه نفره، بیش از ۱۸ هزار متر مربع زمین وجود دارد. بنابراین، فقط یک درصد از این عدد می‌تواند هر خانوار مازندرانی را صاحب ۲۰۰ متر زمین کند.

البته باید توجه داشت با وجود بخشی از جمعیت که اکنون خانه دارند؛ نیاز به زمین مسکونی به یک درصد مساحت استان نمی‌رسد؛ چرا که فقط مستاجران و زوج‌های جوان، به زمین نیاز دارند. بنابراین، اگر جمعیت استان، پنج برابر هم بشود؛ لازم است کمتر از پنج درصد مساحت مازندران، به زمین مسکونی اختصاص یابد. به این ترتیب، بسیاری از خانوارهای دارای خانه مالکیتی در مازندران، که امکان تهیه مسکن برای فرزندان در سن ازدواج خود ندارند؛ می‌توانند زمین بگیرند و بسازند.

دولت چهاردهم در حالی به‌دنبال بلندمرتبه‌سازی در شمال با تبعات فاجعه بار است که غیربومی‌ها در حال گسترش ویلاسازی هستند اما جوانان و مستاجران این مناطق، از داشتن زمین مسکونی محروم هستند. این طرح موجب افزایش بی‌ضابطه قیمت زمین و منفعت سوداگرانه برای اقلیتی که از قبل زمین‌ها را خریده‌اند، می‌شود اما برای اکثریت مردم شمال، موجب خسارت است. مازندران با تکیه بر کشاورزی و گردشگری می‌تواند ثروتمند شود؛ اتفاقی که در کشورهایی همچون هلند رخ داده است.

سرویس اقتصادی



تعمیق شکاف تورمی

یکی از نکات قابل‌توجه در آمار تورم مهرماه ۱۴۰۵، تفاوت مسیر حرکت شاخص‌های سه‌گانه تورم است. تورم نقطه به نقطه با کاهش ۱,۱ واحد درصدی به ۸۸ و هفت دهم درصد رسیده، تورم ماهانه با افزایش دو دهم واحد درصدی در سطح ۴,۴ درصد قرار گرفته و تورم متوسط سالانه نیز با رشد سه و دو دهم واحد درصدی به ۷۶ و هشت دهم درصد افزایش یافته است.

این تفاوت از آن جهت اهمیت دارد که کاهش تورم نقطه‌ای لزوماً به معنای کاهش قیمت‌ها یا حتی توقف فشار تورمی نیست. تورم نقطه‌ای تغییر قیمت‌ها نسبت به ماه مشابه سال قبل را نشان می‌دهد در حالی که تورم ماهانه سرعت افزایش قیمت‌ها در یک ماه را اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین، کاهش شاخص نقطه‌ای در کنار افزایش تورم ماهانه به معنای آن نیست که هزینه خرید کالاها و

نکته مهم در آمار مهرماه، فاصله قابل‌توجه نرخ تورم میان خانوارهای شهری و روستایی است. تورم نقطه به نقطه خانوارهای روستایی به ۱۰۷ درصد رسیده، در حالی که این شاخص برای خانوارهای شهری ۸۵ و نیم درصد بوده است. این اختلاف نشان می‌دهد افزایش هزینه زندگی در مناطق روستایی با شدت بیشتری در شاخص قیمت‌ها منعکس شده است.

خدمات برای خانوارها کاهش یافته است. از سوی دیگر، افزایش تورم متوسط سالانه نیز نشان می‌دهد آثار افزایش قیمت‌های ماه‌های گذشته همچنان در محاسبه میانگین ۱۲ ماهه منعکس می‌شود؛ به همین دلیل، حتی در صورت کاهش مقطعی تورم نقطه‌ای، تعدیل فشار تورمی در شاخص سالانه با تأخیر اتفاق می‌افتد.

تغییر کانون تورم

یکی از مهم‌ترین تحولات قابل استخراج از آمار مهرماه، تغییر وزن گروه‌های مختلف در افزایش قیمت‌هاست. تورم ماهانه کالاهای غیرخوراکی و خدمات به پنج و هشت دهم درصد رسیده، در حالی که تورم ماهانه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات دو و چهار دهم درصد بوده است. به این ترتیب، سرعت افزایش قیمت در گروه غیرخوراکی و خدمات بیش از دو برابر گروه خوراکی و آشامیدنی بوده است. این موضوع نشان می‌دهد در مهرماه فشار تورمی صرفاً در بازار مواد غذایی متمرکز نبوده و بخش قابل‌توجهی از افزایش هزینه خانوارها از محل خدمات و سایر کالاهای مصرفی شکل گرفته است.

در میان گروه‌های اصلی نیز آموزش با تورم ماهانه ۲۳ و نیم درصدی و حمل‌ونقل با ۱۰ و هفت دهم درصد در صدر قرار گرفته‌اند. تورم بالای آموزش به‌ویژه از این جهت اهمیت دارد که هزینه‌های آموزشی در ابتدای سال تحصیلی می‌تواند به شکل قابل‌توجهی بر مخارج خانوارها اثر بگذارد. همچنین رشد قیمت در گروه حمل‌ونقل می‌تواند از مسیر افزایش هزینه جابه‌جایی، بر هزینه تمام‌شده فعالیت‌های اقتصادی و در نهایت قیمت سایر کالاها و خدمات اثرگذار باشد.

نکته مهم این است که بالا بودن تورم ماهانه در این دو گروه به‌تنهائی برای نتیجه‌گیری درباره تداوم همین نرخ در ماه‌های آینده کافی نیست؛ چراکه بخشی از افزایش هزینه‌های آموزشی می‌تواند ماهیت فصلی و مرتبط با آغاز سال تحصیلی داشته باشد. با این حال، استمرار افزایش هزینه خدمات می‌تواند به یکی از کانال‌های انتقال فشار تورمی به سبد مصرفی خانوارها تبدیل شود.

توزیع ناموزون فشار معیشتی

دومین نکته مهم در آمار مهرماه، فاصله قابل‌توجه نرخ تورم میان خانوارهای شهری و روستایی است. تورم نقطه به نقطه خانوارهای روستایی به ۱۰۷ درصد رسیده، در حالی که این شاخص برای خانوارهای شهری ۸۵ و نیم درصد بوده است.

به بیان دیگر، نرخ تورم نقطه‌ای روستایی‌ها ۲۱ و نیم واحد درصد بیشتر از خانوارهای شهری است. این اختلاف نشان می‌دهد افزایش هزینه زندگی در مناطق روستایی با شدت بیشتری در شاخص قیمت‌ها منعکس شده است.

البته برای تحلیل دقیق‌تر این فاصله باید ترکیب سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی، سهم گروه‌های مختلف کالا و خدمات و تغییرات قیمت در هر یک از این گروه‌ها بررسی شود. صرف مشاهده اختلاف نرخ تورم برای تعیین علت آن کافی نیست.

با این حال، ثبت تورم ماهانه چهار و شش دهم درصدی برای خانوارهای روستایی در مقابل چهار و سه دهم درصدی خانوارهای شهری نشان می‌دهد اختلاف تنها به مقایسه قیمت‌ها با سال گذشته محدود نیست و در تحولات ماهانه نیز خانوارهای روستایی افزایش قیمت بیشتری را تجربه کرده‌اند.

دهک‌های پایین‌تر درگیر تورم بالاتر

تفاوت تجربه تورمی خانوارها در مقایسه دهک‌های هزینه‌ای نیز قابل مشاهده است. براساس آمار مهرماه، دهک دوم با تورم سالانه ۸۵ و هشت دهم درصدی بالاترین نرخ را در میان دهک‌ها داشته، در حالی که تورم سالانه دهک دهم ۷۴ و هشت دهم درصد ثبت شده است.

فاصله ۱۱ واحد درصدی میان این دو دهک نشان می‌دهد فشار افزایش قیمت‌ها به شکل یکسان میان

براساس آمار مهرماه، دهک دوم با تورم سالانه ۸۵ و هشت دهم درصدی بالاترین نرخ را در میان دهک‌ها داشته، در حالی که تورم سالانه دهک دهم ۷۴ و هشت دهم درصد ثبت شده است. فاصله ۱۱ واحد درصدی میان این دو دهک نشان می‌دهد فشار افزایش قیمت‌ها به شکل یکسان میان گروه‌های مختلف هزینه‌ای توزیع نشده است.

گروه‌های مختلف هزینه‌ای توزیع نشده است. اهمیت این اختلاف زمانی بیشتر می‌شود که توجه کنیم تورم بالاتر برای دهک‌های پایین‌تر می‌تواند به معنای کاهش سریع‌تر قدرت خرید باشد؛ به‌ویژه اگر درآمد این خانوارها متناسب با افزایش هزینه‌های ضروری زندگی تعدیل نشود.

با این حال، نرخ تورم بالاتر به‌تنهائی میزان کاهش رفاه هر دهک را مشخص نمی‌کند و برای چنین ارزیابی‌ای باید تغییرات درآمد، دارایی و ترکیب مخارج خانوارها نیز در نظر گرفته شود.

معنای کاهش تورم نقطه‌ای

در مجموع، داده‌های مهرماه نشان می‌دهد ارزیابی وضعیت تورمی صرفاً با تکیه بر یک شاخص نمی‌تواند تصویر کاملی از شرایط اقتصادی خانوارها ارائه کند. کاهش محدود تورم نقطه‌ای در کنار افزایش تورم ماهانه و متوسط سالانه، از تداوم افزایش قیمت‌ها حکایت دارد.

از طرف دیگر، پیشتازی گروه خدمات و کالاهای غیرخوراکی، تورم بالاتر خانوارهای روستایی و اختلاف نرخ تورم میان دهک‌های هزینه‌ای نشان می‌دهد فشار تورمی از نظر نوع مخارج و گروه‌های جمعیتی نیز یکسان نیست.

در چنین شرایطی، علاوه‌بر رصد نرخ عمومی تورم، بررسی تغییرات قیمت در گروه‌های اصلی مصرفی و میزان انطباق رشد درآمد خانوارها با هزینه‌های زندگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ چراکه در نهایت آنچه وضعیت معیشتی را تعیین می‌کند، صرفاً تغییر یک شاخص آماری نیست، بلکه نسبت میان درآمد قابل‌تصرف و هزینه واقعی تأمین سبد مصرفی خانوار است.

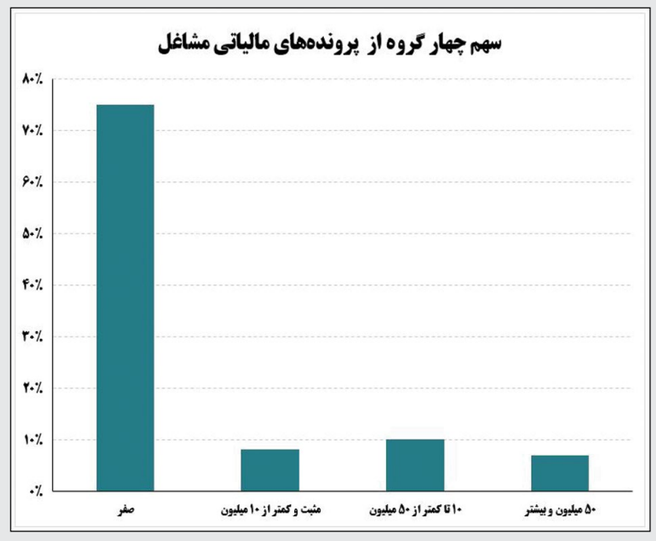
خبرگزاری تسنیم



صورت‌حساب مالیاتی مشاغل

سهم سه گروه اخیر از تفاضل درصدهای تجمعی اعلام‌شده استخراج شده و توزیع تعداد را نشان می‌دهد، نه سهم گروه‌ها از مبلغ کل مالیات. اهمیت این تفکیک در آن است که سهم بالای پرونده‌های مالیات صفر، لزوماً به معنای سهم پایین کل مشاغل در تأمین درآمد مالیاتی نیست؛ ممکن است بخش مهم مبلغ مالیات در گروه محدودتری متمرکز باشد. برای سنجش دستورالعمل، بسته به شرایط فعالیت، پنج تا نه قسط طی چهار تا هشت ماه و با ثبت چک الکترونیکی، شش تا ده قسط طی پنج تا نه ماه را پیش‌بینی کرده است.

همچنین تفکیک «تعداد اقساط» از «مدت تقسیط» برای برنامه‌ریزی نقدینگی کسبه اهمیت دارد. ضمن اینکه امکان اصلاح الکترونیکی مبالغ غیرتجاری نیز کمک می‌کند داده‌های بانکی دقیق‌تر در محاسبه مالیات استفاده شوند. برای پرونده‌هایی که مالیات‌شان صفر محاسبه شده، تأیید فرم به مراجعه حضوری یا اقدام اینترنتی نیاز ندارد؛ این امکان در دستورالعمل سال قبل نیز وجود داشت و استمرار آن می‌تواند هزینه‌های غیرضروری را کاهش دهد. مهلت جاری انجام تکالیف پایان آبان اعلام شده است. حاصل قابل دفاع ارقام، گسترش دامنه تسهیلات در کنار حفظ مالیات صفر یا مبالغ پایین برای اکثریت است؛ تکمیل این مسیر به محاسبه شفاف، اصلاح آسان خطا و وصول سهم قانونی درآمدهای مشمول وابسته است.



براساس داده‌های جدید سازمان امور مالیاتی، برای عملکرد ۱۴۰۴ مالیات ۷۵ درصد صاحبان مشاغل خرد صفر، مالیات ۸۳ درصد مؤدیان کمتر از ۱۰ میلیون تومان و مالیات ۹۳ درصد کمتر از ۵۰ میلیون تومان تعیین شده است.

چند پیشنهاد برای کمک به کسبه

با وجود گسترش تسهیلات تبصره ماده ۱۰۰، کیفیت اجرای آن برای فعالان اقتصادی به اندازه مبلغ مالیات اهمیت دارد. مؤدی باید بتواند پیش از پذیرش فرم، منشأ رقم فروش، نسبت سود مبنای محاسبه، تعدیلات و جرایم باقی‌مانده را به‌روشنی مشاهده کند. نمایش این اطلاعات در یک صورت‌حساب ساده و قابل دریافت، همراه با امکان ثبت و پیگیری غیرحضوری مغایرت‌ها، می‌تواند از مراجعات تکراری و هزینه‌های اضافی جلوگیری کند.

تعیین مهلت مشخص برای پاسخ به درخواست اصلاح اطلاعات نیز ضروری است تا تأخیر در رسیدگی، فرصت تصمیم‌گیری مؤدی میان پذیرش مالیات مقطوع و ارائه اظهارنامه را محدود نکند.

در کنار شفافیت محاسبات، تسهیلات پرداخت باید با وضعیت نقدینگی کسب‌وکارها تناسب داشته باشد. تفاوت چشمگیر فرصت تقسیط میان پذیرندگان مالیات مقطوع و کسانی که به دلیل اختلاف در محاسبات اظهارنامه می‌دهند، نیازمند بازنگری است؛ تنگنای نقدینگی نباید مؤدی را به پذیرش رقمی سوق دهد که آن را منطبق با درآمد واقعی خود نمی‌داند.

همچنین انتشار منظم آمار اصلاح فرم‌ها، زمان رسیدگی به مغایرت‌ها و میزان کاهش مراجعات، امکان ارزیابی نتیجه تسهیلات را فراهم می‌کند. موفقیت این مسیر زمانی برای کسبه ملموس خواهد شد که محاسبه دقیق‌تر مالیات، با کاهش هزینه انجام تکلیف و دسترسی آسان به رسیدگی همراه باشد.

سرویس اقتصادی

این موضوع باید مجموع مالیات هر گروه نیز منتشر شود. همچنین پایین‌بودن مبلغ اسمی، به‌تنهائی برای قضاوت درباره تناسب مالیات با سود هر کسب‌وکار کافی نیست.

مقایسه ۲ سال

در آمار منتشرشده در ۲۲ مهر ۱۴۰۴، تعداد بهره‌مندان از تبصره ۱۰۰ برای عملکرد ۱۴۰۳ حدود ۱۲میلیون و ۵۹۰ هزار مؤدی اعلام شده بود اما مالیات حدود ۱۱ میلیون و ۳۲۰ هزار میلیون از آن‌ها، معادل نزدیک به ۹۰ درصد، صفر بود. مقایسه این نسبت با ۷۵ درصد امسال، کاهش حدود ۱۵ واحد درصدی سهم مالیات صفر را نشان می‌دهد.

اما این تفاوت را نمی‌توان مستقیماً افزایش فشار بر همان کسبه تعبیر کرد. سقف ورود به تبصره از ۲۱ میلیارد و ۶۰۰ به ۷۲ میلیارد تومان تغییر کرده و جامعه دو دوره ثابت نیست. ورود فعالیت‌های بزرگ‌تر می‌تواند ترکیب پرونده‌ها را تغییر دهد؛ این توضیحی محتمل است و با داده‌های موجود نمی‌توان سهم دقیق آن را تعیین کرد. آمار جاری نیز پیش از پایان مهلت انجام تکالیف اعلام‌شده و باید با همین قید زمانی خوانده شود.

تجربه دوره قبل نشان می‌دهد مالیات صفر گسترده الزاماً با افزایش مبلغ مالیات مقطوع ناسازگار نیست. طبق ارقام منتشرشده، مالیات مقطوع از ۴۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد در دوره پیشین به ۵۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان رسید که افزایش ۱۰ هزار میلیارد تومانی، معادل حدود ۲۲ و ۹ دهم درصد.

این مقایسه مربوط به دو دوره گذشته و مبالغ تعیین‌شده است و نباید رشد وصول یا رشد مالیات امسال نامیده شود.

تسهیل باید در هزینه دیده شود

بنا بر اعلام سازمان امور مالیاتی، در اجرای این تبصره مالیاتی برای سال جاری، تعدیلات ناشی از آسیب‌های جنگ با توجه به نوع فعالیت و موقعیت جغرافیایی، به‌صورت خودکار در محاسبات لحاظ می‌شود. همچنین شرط تسویه بدهی سنوات قبل برای استفاده از تقسیط مالیات جاری برداشته شده است. این تسهیل به معنای حذف بدهی قبلی نیست؛ کمک آن، فراهم‌کردن امکان پرداخت تدریجی مالیات جاری بدون وابستگی به تسویه کامل گذشته است.